

عنوان مقاله:

تراز پرداخت ها به عنوان یک پدیده پولی: تحلیلی در چارچوب یک الگوی اقتصادسنجی کلان ساختاری کوچک مقیاس

محل انتشار:

فصلنامه اقتصاد و الگو سازی (اقتصاد سابق), دوره 1, شماره 2 (سال: 1389)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسندگان:

محمد نوفرستی - گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی تهران

زهرا نوروزی - کارشناس ارشد علوم اقتصادی دانشگاه شهید بهشتی

خلاصه مقاله:

مقاله حاضر به بررسی تجربی اعتبار نظریه نگرش پولی به تراز پرداخت ها و رابطه بین کسری تراز پرداخت ها با سطح عمومی قیمت ها و کسر بودجه دولت در چارچوب یک الگوی اقتصادسنجی کلان ساختاری می پردازد. معادلات تصریح شده با استفاده از داده های سری زمانی سال های ۱۳۳۸ تا ۱۳۸۶ و به روش همجمعی برآورد شده اند. نتایج شبیه سازی آثار سیاست های پولی و ارزی توسط الگو حاکی از آن است که ۱۰٪ افزایش در نرخ سپرده قانونی، سطح عمومی قیمت ها را در سال های پس از اجرای این سیاست به طور متوسط حدود ۱۱/۵٪ کاهش می دهد و تراز پرداخت ها به طور متوسط حدود ۳۰٪ بهبود می یابد. اجرای سیاست پولی انقباضی از طریق کاهش بدهی بانک ها به بانک مرکزی نیز اثر مشابهی را در الگو بر سطح عمومی قیمت ها و تراز پرداخت ها بر جای می گذارد. در خصوص ارزیابی اثر سیاست تنزل ارزش پول ملی، نتایج شبیه سازی الگو حاکی از آن است که اگر نرخ ارز ۲۰٪ افزایش یابد، تراز پرداخت ها با بهبود نسبی، به طور متوسط حدود ۲۰٪ بیشتر می شود، اما سطح عمومی قیمت ها در سال های پس از اجرای این سیاست به طور متوسط حدود ۷٪ افزایش می یابد. نتایج مطالعه ضمن تایید نگرش پولی به تراز پرداخت ها، در مجموع حاکی از آن است که گرچه هر دو سیاست پولی انقباضی و تنزل ارزش پول ملی به بهبود تراز پرداخت ها منجر می شود، ولی سیاست پولی انقباضی مناسب تر است، زیرا برخلاف سیاست تنزل ارزش پول ملی، سطح عمومی قیمت ها را کاهش می دهد.

کلمات کلیدی:

نگرش پولی به تراز پرداخت ها، الگوی اقتصادسنجی کلان ساختاری، همجمعی، الگوی تصحیح خطا، شبیه سازی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1301485>

